

پژوهش کنونی درصدد یافتن تناقضات و عدم تطابق بین درک زبان آموزان و مدرسین ایرانی زبان انگلیسی (EFL)، با توجه به نیازهای فراگیران بوده تا در خصوص آموزش زبان انگلیسی در محیط بیگانه (EFL) پرتوافکنی نماید. قطعاً بررسی ناهماهنگی‌ها و عدم تطابق بین درک و نگرش فراگیران و مدرسین نسبت به نیازهای فراگیران حائز اهمیت می‌باشد چرا که این ناهماهنگی‌ها میتوانند بر کارایی کلاس زبان تاثیر بگذارند. به منظور این هدف، پرسشنامه‌ای با مقیاس چهار/پنج گزینه‌ای براساس پرسشنامه‌ی عطایی و شجاع (۲۰۱۱) تحت عنوان "پرسشنامه‌ی نیازسنجی و خودآزمایی"، مورد استفاده قرار گرفت. این پرسشنامه پس از آزمون آزمایش **Piloting** و معتبر سازی از طریق ایمیل و یا شخصا به ۶۰ مدرس زبان انگلیسی ایرانی و ۱۲۰ فراگیر زبان انگلیسی ایرانی ارائه گردید. برای غنی سازی داده‌ها، ۱۵ مدرس زبان انگلیسی ایرانی و ۳۰ فراگیر زبان انگلیسی ایرانی نیز مورد مصاحبه قرار گرفتند. درک مدرسان و فراگیران نسبت به نیازهای فراگیران به عنوان زبان مقصد با استفاده از معدل گیری و انحراف معیار مقایسه گردید. به منظور تعیین اینکه آیا تفاوت معنادار آماری بین دریافت‌های فراگیران و مدرسان وجود دارد تست غیرپارامتریک **Mann Whitney U** گرفته شد. نتایج نشان داد که تفاوت معنادار آماری بین مدرسین و فراگیران در مقیاس کل وجود دارد. نتایج بدست آمده از مصاحبه‌ها نیز این یافته‌ها را تایید کردند. براساس یافته‌های این پژوهش، به مدرسین پیشنهاد شد که عدم تطابق ادراکی بین زبان آموزان و خودشان را به حداقل برسانند. همچنین مدرسین و سیاست‌گذاران باید به دانش آموزان استقلال و اختیار بیشتری در مراحل مختلف آموزش و یادگیری زبان انگلیسی به خصوص "تجزیه و تحلیل نیازها" بدهند.